

دکتر محمدحسین پاپلی یزدی
دانشگاه مشهد
ترجمه: ابوالحسن سروقد مقدم
شماره مقاله: ۲۹۶

نامگذاری کوچه و خیابانها در تهران دیروز و امروز*

Dr M. H. Papoli Yazdi

Mashad University

The Names of Alleys, Streets and Avenues of Tehran, Yesterday and Today

The names of the passage ways and the districts in a city teaches us a lot about the life, the culture, the myths, and the tradition of its people as well as the decision makers.

The given names are not neutral. Usually, some historical, geographical, linguistic and social connotations are attached to them. Moreover, the names of the lanes, streets, squares, and sections of a city indicate the delicate relation of the citizens with their policy makers.

This article focuses mainly on the political implications of the names given to public passage ways of Tehran from the reign of Nasser Aldenr Shah of Quajar (1848) till today. Special changes, due to different political idealogies are noted during different regims; namely, Quajar, Pahlavi, and the Islamic Republic.

نام معابر عمومی و محله‌ها شاهدهی است عالی برای به‌تصویر کشیدن زندگی

*- در متن اصلی «نام معابر تهران» آمده است - م . همچنین لازم به یادآوری است این مقاله در مجموعه‌ای تحت

عنوان «تهران پایتخت دویست ساله» به چاپ رسیده است. مشخصات اصل مقاله:

Papoli, Yazdi . M.H le nom des rues de Téhéran in: Téhéran capitale bicentenaire. Sous la direction de C. Adle et B. Hourcade I.F.R.J. 1992. PP 345-359

اسطوره‌ها و باورهای یک شهر، ساکنان شهر و گردانندگان آن. پاره‌ای از اسامی بازها عوض می‌شوند در حالی که بعضی دیگر لایتغیر باقی می‌مانند. این تغییرات غالباً خواست مقامات محلی است، اما گاه نیز از اراده مردم نشأت می‌گیرد. نامهای منتخب همیشه دارای معنایی خنثی و ایستا نیستند بلکه می‌توان در نامگذاری کوچه‌ها، خیابانها، میدانها بن‌بستها و محله‌ها به مفاهیمی با ماهیتهای بسیار متفاوت تاریخی، زبانشناسی، جغرافیایی جامعه‌شناسی یا سیاسی دست یافت. مفاهیمی که پیرامون روابط میان مردم و مقامات شهرداری و شهر برایمان داستانه حکایت می‌کنند. بنابراین اسامی مکانها مفاهیمی خنثی نیستند و آنگاه که پای شهری در میان باشد که داعیه پایتختی دارد، برگزیدن آنها بوضوح از جاه طلبیها، ایدئولوژیها و مبارزات و اعمال نفوذهایی که دولت و سرتاسر کشور را در بر گرفته، حکایت می‌کند. تحلیل مفهوم سیاسی اسامی معابر عمومی تهران از آغاز سلطنت ناصرالدین شاه (۱۸۴۸) تا به امروز بخوبی بیانگر تصویری است که فرمانروایان قاجار پهلوی و مسئولین جمهوری اسلامی از پایتخت خود داشته و دارند یا می‌خواهند از خلال این اسامی متجلی سازند. با فهرست‌برداری از اسامی معابر عمومی تهران از روی نقشه‌های موجود در سال ۱۸۵۷ به بعد، در این مختصر سعی کرده‌ایم چگونه تهرانها و دولت یا به عبارت بهتر رژیمهای سیاسی پی‌درپی (قاجار، پهلوی، جمهوری اسلامی) برای تملک فضای شهری با یکدیگر به رقابت برخاسته‌اند و آن را به شیوه خود نامگذاری کرده‌اند (جدول شماره ۱).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱- نقشه‌های اصلی تهران که از اواسط سلطنت ناصرالدین شاه به بعد تنظیم شده‌اند از سوی رضا مقتدر عرضه گردیده‌اند. نقشه‌های اصلی که مورد استفاده قرار گرفته‌اند عبارتند از:

- نقشه ۱۸۵۷ متعلق به Krziz (که H.Salby تجدید چاپ کرده است):

«نقشه تهران که از سوی فون اوگوستوس کرزیز ترسیم شده». Graz. Akademische Druck 1977.

- نقشه سال ۱۸۹۱ متعلق به عبدالغفار نجم‌الملک. تجدید چاپ، تهران، سحاب ۱۹۸۲.

- نقشه سال ۱۹۷۷ «نقشه جدید و کامل تهران» تقریباً در مقیاس ۱:۱۵۰۰۰ تهران، سحاب/لاروس، ۱۹۷۷.

- نقشه ۱۹۸۷ «رهباب تهران، راهنمای نام خیابانها و نقشه جامع تهران» گیتاشناسی، تهران ۱۳۵۶/۱۹۸۷.

- نقشه ۱۹۸۷ «نقشه کامل تهران بزرگ» در مقیاس ۱:۱۰۰۰۰، تهران، گیتاشناسی ۱۹۸۷.

- نقشه ۱۹۸۷ «راهنمای تهران» تهران، گیتاشناسی.

الف - معابر و محله های تهران عصر قاجاریه:

تاریخ شهر تهران در دوران سلطنت ناصرالدین شاه شامل دو دوره کاملاً متمایز از یکدیگر است: قبل از سال ۱۸۶۷ و بعد از آن، سالی که تصمیم به نوسازی و توسعه شهر گرفته شد.

۱ - تهران در حصار قدیمی خود:

در این دوره پایتخت که هنوز در حصار برپا شده در زمان سلطنت شاه طهماسب محصور بود، به چهار محله تقسیم می شد: سنگلج، بازار، عودلاجان و چاله میدان که خود به محله های کوچکتر، گذرها و کوچه هایی تقسیم می شدند که منشأ اسامی آنها گروه های اجتماعی، اسامی جغرافیایی یا نام افراد بوده، با این توضیح که نامگذاری اخیر خاص معابر بوده و نه محله ها (جدول شماره ۱).

- انواع نامگذاری.

انواع شیوه های نامگذاری عبارت بود از:

● استفاده از نام گروه های اجتماعی شامل:

- گروه های قومی: محله ترکمنها، افشارها، باجمانلوه، خلجها یا شامیاتیها و غیره؛

- اقلیت های مذهبی: محله ارمنیها یا یهودیها؛

- نام شهری که اهالی محل اصلاً به آن تعلق داشتند: محله شیرازیها، قمیها، کرمانیها؛

- صنوف اجتماعی: مثل صنف خدمتکاران (غلامها و شاه غلامها)؛

- مشاغل یا فعالیت های حرفه ای: محله دباغها (دباغ خانه)، میدان مال فروشها، بازار

کاه فروشها، محله قاطرچی ها.

● اسامی جغرافیایی که به محل چشمه ها (سرچشمه)، دروازه هایی که به سوی راه

این یا آن شهر باز می شد (دروازه شمیران)، به شکل زمین (چاله میدان) یا تأسیسات آبرسانی

(گذر شترگلو)، اشاره دارند.

● استفاده از نام افراد: کوچه آقا موسی تاجر، کوچه ضیاء السلطنه، کوچه عین الدوله

کوچه میرزا آقاخان....

- اسامی گذرها:

گذرها، کوچه ها و بن بستها غالباً نام یک فرد را بر خود داشتند. در این مورد باید فرد

مورد نظر زنده باشد، در آن جا ساختمانی احداث کرده باشد: باغ، خانه بزرگ، کاروانسرا

حمام عمومی و غیره ... یا در آن جا ساکن باشد. معمولاً چنین فردی از اعیان و اشراف شاهزادگان، صاحب منصبان عالیمقام یا تجار بوده است. جدول شماره ۱ - ماهیت نامهایی که از سال ۱۸۵۷ تا ۱۹۸۹ به معابر عمومی داده شده است.

جمهوری اسلامی		پهلوی						دوره ناصرالدین شاه						نامها			
		محمدرضا شاه			رضاشاه			بعد از ۱۸۷۰			قبل از ۱۸۷۰						
۱۹۸۳	۱۹۸۳-۱۹۷۹	ک	خ	ک	خ	ک	خ	ک	خ	ک	خ	م	م	ک	خ	م	
×		×		×		×		×		×							فرد در قید حیات
×															×		اقلیت مذهبی
×															×		اقلیت قومی
×															×		حرفه
×															×		شهر (ساکنان)
×	×	×	×	×	×	×	×	×	×	×	×	×	×	×	×	×	نام جغرافیایی
×	×	×		×	×												دوران قبل از اسلام
	×		×	×													شخصیتهای قبل از اسلام
×	×	×	×	×	×	×											شخصیتهای فرهنگی قبل از اسلام
×	×	×	×		×			×									رویداد تاریخی
×	×	×	×	×		×											شخصیت مذهبی
	×		×		×												شخصیت خارجی
	×		×		×												کشور، شهر خارجی
×																	کلیت دولتی
×	×	×		×		×											رئیس دولت (شاه - امام)
×								×									خانواده رئیس دولت
×	×	×	×		×												نزدیکان رئیس دولت
×	×	×	×	×	×	×											اسامی خنثی
×	×	×	×														اوپوزسیون مذهبی با شاه
×	×	×															اوپوزسیون غیر مذهبی با شاه

نوضیحات: م: محله خ: خیابان اصلی م: محله کوچک ک: کوچه و بن بست خ: کوچه بن بست

به خلاف آنچه امروز معمول است، هرگز نام شخص غایب یا متوفی را بر محلی که افراد در قید حیات ساخته بودند، نمی‌گذاشتند. بنابراین اگر گذری نام یک شاهزاده را بر خود داشت از این جهت نبوده که او فرزند شاه است بلکه از این رو بود که در آن جا سکونت داشت و یا در آن محل بنایی احداث کرده بود. بنابراین آنچه اهمیت داشت رابطه انتزاعی یا معنوی با یک شخص مشهور اما غایب (شاه، شاهزاده، شاعر یا یک قهرمان ملی) یا یک کتاب، یک عقیده یا یک گل نبوده بلکه رابطه مستقیم و واقعی با یک شخص حی و حاضر بوده است.

- نامگذاری محله‌ها:

محله‌های بزرگ که از فضای ناهمگون محله‌های متعدد کوچکتر تشکیل می‌شدند، همواره نامهای جغرافیایی داشته‌اند و بنابراین تقریباً نامهای آنها بار سیاسی - اجتماعی فرهنگی خاصی دربر نداشت. در واقع قابل تصور نبوده که یک گروه اجتماعی خاص نام خود را به مجموعه‌ای مرکب از هویت‌های گوناگون بدهد. بعکس کویها و محله‌های کوچک شهر به نام گروه‌های اجتماعی مربوط به اصناف، اقوم یا مذاهب شهرت داشتند. بنابراین در تمامی موارد نامگذاریها دستجمعی بوده و هرگز از نام یک شخص برای این فضاها و وسیع استفاده نمی‌شده است و در این سطح از فرد فراتر رفته و به سطح جمع می‌رسیده‌اند.

در این عصر هیچ یک از محله‌ها و هیچ کدام از معابر تهران (به استثنای دروازه دولت) نامی را که وابسته به دولت یا یکی از سلاطین گذشته یا حال (به استثنای دروازه محمدیه که در زمان میرزا آقاسی وزیر محمدشاه ساخته شده) و یا یک شخصیت تاریخی باشد بر خود نداشته‌است. این وضعیت نشان می‌دهد که تهرانیها تا چه حد در آن زمان فاقد هویت جمعی تاریخی یا سیاسی بوده‌اند و تا چه اندازه با مفهوم دولت ملی بیگانه بوده‌اند و محیط بین‌المللی در نظرشان مبهم و نامشخص بوده است.

شخصیتهای عالی مقام دولتی در آن زمان بدون هیچ تفاوتی در محله‌های شهر که فاقد تمایزات اجتماعی بود و فرقی میان محله‌های شمالی و جنوبی نبود، سکونت اختیار می‌کردند و در یک محله واحد ثروتمندان و تهیدستان در کنار هم خانه داشته‌اند: خانه نایب الایاله فرهاد میرزا و منزل رکن‌الدوله در جنوب شهر بوده و در حالی که خانه‌های ضیاءالسلطنه و سپهدار یا آقاخان در شمال شهر قرار داشته است. سفارت انگلستان در جنوب بوده در حالی که سفارت روس در شمال قرار داشته اما این امر به هیچ وجه

نمی‌رساند که ساکنان شمال شهر به روسها نزدیک بوده‌اند یا جنوب شهرها طرفدار انگلیس بوده‌اند! بنابراین به استثنای ارگ، این قلعه محصور در میان حصارها که شاه و حرم او را در خود جای می‌داده دولت، قدرت سیاسی، شاه و افراد خانواده‌اش در چشم‌انداز شهری موجودیت اختصاصی نداشته‌اند. روابط میان تهران و دولت در این عصر عملاً وجود نداشته‌است: اعیان و اشراف، خاندان سلطنتی و خود شاه مانند افراد عادی نگرینسه می‌شدند (و خود نیز چنین برداشتی داشتند) که چون افراد عادی در محل سکونت خود می‌زیسته‌اند.

۲- تهران در برج و باروی تازه خود:

از چند و چون فرمان ناصرالدین شاه برای توسعه و نوسازی تهران به همراه تخریب حصار قدیمی عهد صفوی و حوادث باروی تازه‌ای که محله‌های خارج شهر را هم در برگیرد، باخبریم. با این همه جز محله‌ای که در شمال شهر قدیمی قرارداد داشت یعنی محله دولت، محله دیگری به داشتن یک نام وابسته به دولت مفتخر نگردید. این بخش پنجم تهران به نام دولت نامگذاری گردید زیرا دولت درگسترش این بخش شهر مستقیماً دخالت کرده بود و بنابراین حق داشت، نام خود را، بر محلی که سازنده و بانی آن بود، بگذارد.

از این دوره است که دولتی کردن شهر - که بتدریج از چنگ ساکنانش خارج می‌شود، و تبعیض اجتماعی میان محله‌ها آغاز می‌شود. ضمن آن که محله‌های خاص اقلیتهای مذهبی یا قومی از میان می‌روند و این تحولی است در روابط میان دولت و تهرانیها. گرچه اسامی معابر عمومی شهر قدیم تغییری نمی‌کند اما چند استثنایی که مشاهده می‌شود، مثل تغییر نام گذر شترگلو به خیابان ناصریه (برسرتاسر این گذر نه یک متر کمتر نه یک متر بیشتر) گذری که سرتاسر شرق ارگ سلطنتی را در می‌نوردد، بسیار پر معناست: شاه که هنوز به چشم یک فرد نگرینسه می‌شود «حق» می‌یابد که نام خود را برگذری که از کنار خانه‌اش می‌گذرد، بگذارد....

در محله دولت، نسبت به شهر قدیم یا محله‌های جدید مردمی تر که در جنوب و شرق ساخته شده‌اند، بوضوح کوچه‌ها و بن‌بستهای کمتری وجود دارد و نامگذاری محله‌ها و خیابانها از گونه‌ای تازه است:

- طبق معمول نام شخصیت‌های زنده یا اسامی جغرافیایی را بر معابر نهاده‌اند (خیابان

ظهیرالدوله، سیف‌الدوله، امین‌السلطان، دروازه دوشان تپه، لاله زار، اما نام اقوام، اقلیتهای مذهبی یا مشاغل از میان رفته است.

- بخلاف آنچه «قاعده» رایج بوده، محله‌های کوچک را به نام افراد و شخصیت‌های زنده نامیده‌اند، چیزی که نشانه‌ای است روشن از تحکیم موقعیت اجتماعی بزرگان دولتی و درباریان یا اعضای خانواده سلطنتی: محله امین حضور، محله امین‌الدوله و جز اینها... با این همه برخی از محله‌ها نامهای جغرافیایی می‌گیرند مثل: «محله بیرون دروازه شمیران» و یا «محله ارگی‌ها» که محل سکونت کارمندان دربار است. به نظر می‌رسد که این نخستین محله‌ای باشد که نام صنفی از کارمندان را بر خود دارد^۲

در جریان دومین بخش از دوران سلطنت ناصرالدین شاه، تبعیض اجتماعی میان محله‌ها پدیدار می‌شود. در محله دولت و محله‌های واقع در غرب شهر تقریباً بطور انحصاری شاهزادگان، صاحب منصبان عالیرتبه، نمایندگان کشورهای خارجی سکونت دارند حال آن که، هیچ یک از این افراد دیگر در جنوب و یا شرق تهران، جایی که دیگر هیچ گذری نام آنها را بر خود ندارد، خانه ندارند.

در تهران این دوره، خیابانهای شمالی شهر نام افراد زنده (ظهیرالدوله، امین‌السلطان) را بر خود دارند درحالی که در جنوب یا شرق، جایی که حاجیه‌های بازاری (امین‌الضرب) و افراد عادی زندگی می‌کردند نام افراد متوفی، بویژه شخصیت‌های مذهبی، یا قبرستانها را بر منابر می‌نهادند: خیابان قبرستان، چهارده منوم، شاه‌عبدالعظیم و محله سرقبر آقا و در این زمان، شرق تهران باغی وسیع (باغ جنت) به همراه طولیترین خیابان شهر (خیابان جنت) احداث می‌شود.^۳

بنابراین در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه تهران از دولت، شاه، حکومت صاحب‌منصبان و نمایندگیهای خارجی نشان دارد و دستیابی به بعدی بین‌المللی را آغاز می‌کند؛ شهر به کشف هویت خود به حیث پایتخت و مقرر قدرت نائل می‌آید. بعکس طی همین زمان شهر اقتدار تهیدستان، اقلیتهای و یا اصناف کوچک گوناگون را از آنان سلب

۲- این نوع نامگذاری بعدها بسیار رایج می‌شود: در بسیاری از دیگر شهرها و محله‌های تهران فی‌المثل «کوی

فرهنگیان» پدیدار می‌شود.

۳- امروزه خیابان خیام.

می‌کند؛ باین همه هنوز از این که تهران پایتخت یک دولت ملی بشمار آید فرسنگها فاصله دارد.

ب - تهران عصر پهلوی:

رضاشاه فرمان احداث خیابانهای بزرگ و برپایی نخستین بناهای با عظمت دولتی پایتخت را صادر می‌کند، بنابراین دولت هم سازنده و هم مالک معابر عمومی است و به این ترتیب «حق» دارد به میل خود برای بولوارها و خیابانها نامی که می‌خواهد برگزیند؛ اما دولت هنوز بر تمامی شهر سلطه ندارد و نامگذاری گذرها، کوچه‌ها و بن بستها از حیطة اقتدار او خارج است .

۱- شاه و ملت، معابر عمومی تهران را تملک می‌کنند:

کوچه‌ها و خیابانهای قدیمی نامی را که در عهد قاجاریه داشته‌اند حفظ کرده‌اند اما تحوّل نام معابر جدید، در تبیین رابطه تازه میان دولت «شاهنشاهی» و تهران بسیار پر معناست.

- نام شاه:

تهران شهر شاه شده است . از این پس دو خیابان اصلی شهر نام سلسله سلطنتی (خیابان پهلوی) و شاه (خیابان شاهرضا) را بر خود دارند. در این عصر تهران هنوز تنها پایتخت نبود پادشاه است، حال آن که بعدها و در دوران سلطنت محمدرضا شاه ۶۶ خیابان و میدان نام پادشاه را در اشکال مختلف خود (محمدرضا شاه ، آریامهر ...) و نام هریک از شاهپورها و اعضای خانواده شخصی شاه (زن^۴، فرزندان ، برادر متوفی) را بر خویش دارند . دیگر خیابانها، نام پیروزیهای سیاسی رژیم (۲۴ اسفند ...) یا چیزهای منتسب به سلطنت (تخت طاووس ...) را گرفته‌اند.

۴- نام سه همسر شاه بطور همزمان باقی مانده بود: رسماً دو خیابان به نام ثریا و فرح وجود داشت و مردم همچنان به

میدان شهناز، میدان کنونی امام حسین (ع) - میدان فوزیه، همسر اول شاه، می‌گفتند.

- گذشته باستانی و اسلام فراموش شده:

بعدها نام مکانها یا شخصیت‌های تاریخی، شعرا و دانشمندان را بر معابر و خیابانها نهادند: تخت جمشید (پرسپولیس)، فردوسی، حافظ، داریوش، کوروش و امیرکبیر. بنابراین تهران به تاریخ ملی ایران از عهد باستان تا قاجاریه تعلق یافت، اما تاریخ اسلام در حکومت پهلویها فراموش می‌شود، تهران به صورت شهری درآمدی بود بدون مذهب و یا دست کم بدون اسلام زیرا زردشت، مزدک و مانی خیابانهای خود را داشتند اما نه حضرت محمد(ص)، نه حضرت علی(ع) نه حضرت حسین(ع) نه حضرت حسن(ع) نه حضرت مهدی(عج) خیابانی به نام خود نداشتند.

ملت ایران، اصناف، اقوام و گروه‌های اجتماعی از سیاهه اسامی محل‌های عمومی حذف شدند، حتی از شخصیت‌های زنده ایرانی جز شاه، خانواده و دوستان خارجیش چون روزولت، چرچیل و استالین اثباتی نبود.

با این همه برخی از بخش‌های پایتخت از قدرت سلطنتی فرار می‌کردند. اهالی تهران نیز تهران خود را داشتند: تهران، کوچه‌های تنگ، گذرگاهها و بن‌بست‌هایی که نامهایی، رسمی یا عجیب شده با عادات تغییر ناپذیر، برخوردارند. این نامها خاطره گذشته‌ها، آثار گذشتگان و جوامع قدیم را زنده می‌سازند. این تهران مردمی در مقابل تهران پهلوی پایمردی از خود نشان داد و مقاومت کرد.^۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۲- سه تهران:

تحلیل نامهای معابر عمومی در عهد محمد رضا پهلوی تقسیم تهران را به سه بخش امکان پذیر می‌سازد.

- تهران دولتی و پهلویها:

علاوه بر ۶۶ خیابانی که نام شاه و اعضای خانواده او را بر خود داشتند ۷۷ محل دیگر

۵- شهرداری همواره بانامهایی که از سوی اهالی کوچه‌ها و خیابانهای کوچک پیشنهاد می‌شد به شرط آن که بادیگاههای رژیم در تضاد نبود، روی خوش نشان می‌داد. این عملکرد همچنان تداوم یافته است.

با اسامی شخصیت‌های نزدیک به رژیم و غالباً فوت شده (علم، اقبال، سپهبدزاهدی، سپهبد فرسیو، بابائیان، لشکری ...) نامگذاری شده بودند، ۱۷ خیابان نام شخصیت‌های پادشاهان قبل از اسلام، ۳۱ خیابان نام پادشاهان و دولتمردان عصر اسلامی و سرانجام ۱۷ خیابان نام شخصیت‌های خارجی را داشتند. این تهران تملک شده از سوی دولت شاهنشاهی، بویژه در شمال و غرب پایتخت قرار دارد.

- تهران مردمی:

بطوری که ملاحظه می‌شود، هیچ یک از خیابانهای کوچک نام شاه یا عضوی از اعضای خانواده او را بر خود نداشته، چیزی که از کم و کیف محبوبیت او در میان مردم خبر می‌دهد. در مقابل، شهر که پدیده پویا و بالنده است خاطرات مردم تهران را در دل خود زنده نگه داشته است. مردم به کوچه های محله خود نام شخصیت‌هایی غالباً رزمنده یا مشحون از نمادها را که دولت شاهنشاهی به زحمت می‌توانست آنها را رد کند، می‌نهادند: عارف قزوینی، میرزاده عشقی، فرخی یزدی، تختی (قهرمان المپیک در کشتی)، ایرج میرزا، میرزا کوچک خان (رهبر نهضت جنگل در ۱۹۲۰)، علی موسیو، باقرخان، امام هادی (ع)، امام مهدی (ع)، امام رضا (ع) و غیره ... اگر دولت نام یک شهر را بر خیابانی می‌نهاد مردم ترجیح می‌دادند نام ساکنان آن شهر را بر آن بگذارند: خیابان شیراز برای دولت و خیابان شیرازیها برای مردم. این تهران بویژه در جنوب و در مرکز قرار دارد.

- تهران نامشخص:

نواحی وسیع و محله‌هایی پهناور وجود دارند که منطقه سوّمی را تشکیل می‌دهند که واقعاً نه در ردیف نامهای سلطنتی قرار دارند و نه در حوزه نامهای سنتی یا مردمی. این خیابانها و کوچه‌های دارای نامهای خنثی نوعی حد فاصل میان این دو منطقه‌اند. و بویژه فضاهایی نفوذی هستند مرکب از کوی و برزنهاي بی‌شمار به موازات هم که دو خیابان بزرگ را به هم مرتبط می‌سازند و دارای نامهایی جغرافیایی (سهند، سیلان) و یا نام گلها (رز، ارکیده، گلایل، نرگس، لاله ...)، نام ماهها (فروردین، اردیبهشت ...) و گاه تنها یک شماره (خیابان یکم، دوم، سوم ...) را بر خود دارند.

ج - تهران در جمهوری اسلامی

۱- تهرانیها شهر خود را تصرف و نامگذاری می‌کنند

انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) با نهضت مردمی عظیم و تظاهرات بزرگ خود باعث شد تا مردم تهران شهر و معابر عمومی را به تصرف خود درآورده و تملک کنند. اهالی تهران در جنبش خودجوشی که تمامی پایتخت را فراگرفت اسامی محلها را عوض کردند و آنها را به صورتی نظام یافته، در جهتی مخالف خواسته‌های رژیم شاهنشاهی نامگذاری کردند. نامهای جدید یادآور خاطراتی از اسامی قدیم است و ارزشهایی هستند در تعارض با ارزشهای مورد قبول رژیم سابق (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲- ارزشهای انقلاب اسلامی از خلال اسامی جدید خیابانهای تهران

نامهای قدیم	نامهای جدید
خیابان پهنوی	خیابان مصدق - ولیعصر
انوشیروان عادل	خیابان بعثت
خیابان فرزاد	خیابان آل احمد
اتوبان شاهنشاهی	اتوبان مدرس
پارک شاهنشاهی	پارک ملت
خیابان استالین	خیابان میرزا کوچک خان
خیابان بوذرجمهری	خیابان ۱۵ خرداد ^۶
خیابان شاه	خیابان جمهوری اسلامی
خیابان قوام السلطنه	خیابان ۳۰ تیر ^۷
خیابان کورش کبیر	خیابان دکتر شریعتی

به این ترتیب طی دو سال اول استقرار جمهوری اسلامی، مردم نام شمار زیادی از خیابانها و کوچه‌ها را عوض کردند و اسامی مخالفان رژیم سلطنتی را از هر گروه و عقیده‌ای

۶- روز نخستین قیام طرفداران امام خمینی که در پنجم ژوئن ۱۹۶۳ به خون کشیده شد.

۷- روز قیاسی که دولت قوام السلطنه سرنگون شد و دکتر محمد مصدق به قدرت رسید، برابر با بیستم ژوئیه ۱۹۵۲.

که بودند، بر آنها نهادند. از این رو تمامی گروه‌های سیاسی خیابانهای خود را داشتند. آیت‌الله سعیدی، گل‌سرخ، شریف واقفی، مهدی رضایی، حنیف نژاد، دکتر محمد مصدق و غیره.

۲- دولت پایتخت خود را باز پس می‌گیرد

از سال ۱۳۶۲ به بعد، دولت می‌کوشد مجدداً قدرت خود را از نو بر شهر حاکم کند و یادادن نامهای کاملاً متفاوت با نامهای دوران رژیم شاهنشاهی و در مواردی متفاوت با اول انقلاب به خیابانها و معابر بزرگ، تصویر تازه‌ای مطابق با ایدئولوژی خود به آن ببخشد (جدول شماره ۳). در حالی که اهالی، طبق معمول با کنترل تهران خود، یعنی تهران خیابانهای کوچک، کوچه‌ها و بن‌بستها به مقاومت بر می‌خیزند. اما این بار، این تهران مردمی به جنوب و مرکز پایتخت منحصر نمی‌شود بلکه همه جا هست، بویژه در شمال و محله‌های تازه آن. بدیهی است این وضعیت ناشی از این واقعیت است که دولت جدید مردمی‌تر از دولتی است که سرنگون شده و در حقیقت نوعی همگرایی میان ارزشها و فرهنگ مردم تهران و ارزشها و فرهنگ دولت جمهوری اسلامی وجود دارد.

به این ترتیب هنگامی که دولت تصمیم گرفت نام خیابان مصدق (پهلوی سابق بلندترین و پرشکوهترین خیابان پایتخت) را عوض کند و نام ولی عصر^۸ بر آن بگذارد، مردم نام مصدق را بر هشت خیابان کوچکتر نهادند. همچنین برداشتن نامهای داریوش و کوروش از خیابانهای بزرگ از سوی شهرداری مانع از آن نشد که تهرانیان نام داریوش را بر ۱۴ خیابان و کوروش را بر ۱۶ خیابان دیگر نگذارند. هنگامی که مقامات کوشیدند تا به نقش تاریخی بزرگان مذهبی ارج نهند و نام شیخ فضل‌الله نوری را بر اتوبان طرشت گذاشتند تهرانیها به میل خود رفتار کردند؛ و نام او را - درست مثل نام آیت‌الله کاشانی - بر هیچ خیابان کوچک یا کوچه‌ای نگذاشتند. در حالی که ۸۹ خیابان، میدان و کوچه نام آیت‌الله طالقانی و ۶۷ کوچه نام دکتر علی شریعتی را بر خود دارند. همین امر بیانگر آن است که این دو شخصیت در جریان انقلاب اسلامی جزء محبوبترین شخصیتها بوده‌اند بنابراین می‌بینیم که گرچه

۸- «ولی عصر» یکی از نامهای امام دوازدهم (عج)، باید متذکر شد که این نام با نام سابق میدان ولیعصر که این

خیابان از آن می‌گذشت یعنی میدان ولیعهد تطابق صوتی دارد (میدانی که همزمان به آن میدان بلوار نیز گفته می‌شد زیرا

در مسیر بلوار کریم‌خان - که غالباً فقط به آن «بلوار» گفته می‌شود نیز قرار دارد).

جدول شماره ۳ - شمارش انواع اسامی ۳۷۰ خیابان بزرگ عمومی تهران قبل و بعد از انقلاب اسلامی

نوع نامگذاری	دوران پهلوی (۱۹۷۷)	دوره اسلامی (۱۹۸۷)
	تعداد خیابانها	تعداد خیابانها
نام شاه و خاندان پهلوی	۶۶	۰
امام خمینی و خانواده	۰	۴
اشخاصی که در دفاع از رژیم پهلوی کشته شده‌اند	۱۰	۰
شهادت اسلامی (بزرگان و پیشقراولان)	۰	۱۸۵
نزدیکان رژیم پهلوی	۴۵	۰
شعرا و دانشمندان عصر پهلوی	۰۶	۰
شخصیتهای خارجی	۱۱	۷
شهرها و کشورهای خارجی	۶	۷
سالگشت سیاسی	۱۵	۱۰
شهرهای ایران	۷۵	۲۲
کلیتها (آزادی، ارتش، دهقانها)	۹۰	۶۶
نامهای قبل از اسلام	۱۷	۱
نامهای صدراسلام	۰	۲۴
نام ائمه	۰	۱۱
مقامات سیاسی در دوره اسلامی تا عصر فاجار	۱۱	۲
شخصیتهای انقلاب مشروطه	۲	۶
مبارزان اسلامی که در دوره پهلوی شهید شدند	۰	۱۸
گلها	۲	۰
جز اینها...	۰	۷
جمع کل	۳۵۶	۳۷۰

منابع: برای سال ۱۹۷۷: نقشه جدید کامل تهران در مقیاس حدود ۱:۱۵۰۰۰، تهران، سحاب / لاروس (۱۹۷۷).

برای سال ۱۹۸۷: رهیاب تهران، راهنمای نام خیابانها و نقشه جامع تهران. گیتاشناسی، تهران، ۱۳۵۶ و نقشه کامل تهران بزرگ در مقیاس ۱:۱۰۰۰۰، تهران، گیتاشناسی.

تهرانیه‌های ساکن خیابانهای کوچک و کوچه‌ها بطور قاطع شاه و خانواده او را طرد می‌کنند اما گزینشهای جمهوری اسلامی را نیز - آن‌گاه که پای نامگذاری محیط زندگی روزمره آنان در میان باشد - بدون قید و شرط نمی‌پذیرند.

۳- جمهوری اسلامی و فرهنگ اسلامی مردمی:

در سال ۱۳۶۸ در اسامی خیابانهای بزرگ تهران، از تاریخ قبل از اسلام، تاریخ غیر مذهبی ایران پیش از اسلام و تاریخ مبارزات مردان یا گروههای سیاسی لائیک قبل از انقلاب، هیچ اثری مشاهده نمی‌کنیم. موارد استثنا بسیار نادر است گرچه اهمیت فراوانی دارد، چرا که نام خیابانهای شریعتی، زرتشت، کریم خان زند و بویژه حافظ و فردوسی - که تندیس او همچنان در وسط میدانی در مرکز تهران حفظ شده - تغییر داده نشده است. تهران دولتی شخصیهایی را به رسمیت می‌شناسد صد درصد اسلامی متعلق به صدر اسلام تا نهضت اسلام گرای معاصر، در حالی که تهران تهرانیه‌ها به تمامی گذشته خود اشراف دارد، تاریخ و فرهنگ ایرانی را در کلیت خود بدون گسستگی و پیشداوری قبول دارد. از عهد باستان گرفته تا امروز، اعم از آن که مربوط به پادشاهان یا قهرمانان باستانی افسانه‌ای مثل رستم، سهراب، منوچهر، اردشیر، خسرو پرویز، انوشیروان، آذرمیدخت و تخت جمشید مربوط باشد، یا امامان و قدیسیان اسلامی مثل امام حسین (ع)، ابودالب (ع) یا یعقوب لیث صفاری و یا نویسندگان بزرگ مردمی چون فردوسی و انوری و پادشاهان و دولتمردان تاریخ ایران نظیر خوارزم شاه، شاه عباس، نادرشاه، امیرکبیر یا مصدق^۹؛ مقاومت مردم در پذیرش نامهای تازه‌ای که مورد تائیدشان نیست در این واقعیت نیز متجلی می‌شود که در کاربرد روزمره از سوی رانندگان تاکسی شنیده نمی‌شود یا کمتر به کار می‌رود: قبل از انقلاب اکثر مردم نمی‌گفتند میدان شهناز بلکه همان میدان فوزیه را به کار می‌بردند، بدکس «میدان امام حسین» بسیار زود پذیرفته شد. همچنین هنوز هم غالباً میدان امام، میدان سپه سابق، را به همین شهرت قدیم یعنی توپخانه می‌نامند. از سوی دیگر اتفاق افتاده که برخی از نامها

۹- البته کمترین نامگذاری در داری باید با اسامی خیابانها موافقت کند. ولی معمولاً ابتدا مردم نام خیابانی را

به کار می‌برند (مقصود از اینجاست که در این مقاله به نامگذاری خیابانها در تهران پرداخته شد).

بتازگی، اقبال عامه یافته بویژه میدان آزادی به جای میدان شهید.

با این همه میان تهران دولتی و تهران تهرانیها وجوه مشترک چندی وجود دارد: هر دو از پذیرفتن نامهای منسوب به اقلیتهای مذهبی و شخصیتهای زنده به استثنای امام خمینی (در زمان نوشتن مقاله امام خمینی در قید حیات بوده‌اند) امتناع می‌کنند؛ همچنین نامهای قومی یا ناحیه‌ای و بویژه نام شخصیت‌های مخالف با رژیم شاهنشاهی اما طرفدار آرمانهای ناحیه‌ای مردود است چرا که: تهران پایتخت ایران است، شهری ملی است، مقرر حکومت است و بالمآل باید نام شخصیت‌هایی را داشته باشد در سطح ملی و بین‌المللی. در عین حال ویژگی اخیر به تهران مردمی بطور کامل راه نیافته‌است. تهران مردمی همان‌طور که در گذشته نامهای چرچیل و روزولت را بر خیابانهای کوچک خود نمی‌پذیرفت امروزه نیز از پذیرش اسامی حسن‌النبأ بنیانگذار اخوان المسلمین یا خالداسلامبولی (قاتل انورسادات رئیس جمهور مصر) خودداری می‌کند. بعکس حکومت اسلامی نام بزرگان مذهبی یا رزمندگان اسلام‌گرای بیگانه - مثل آنانی که بر شمر داریم، یا مانند محمدباقر صدر یا امام موسی صدر - را بر خیابانهای بزرگ گذاشته؛ و نام شخصیت‌های خارجی مورد احترام رژیم پهلوی (روزولت، چرچیل، استالین، الیزابت و غیره) را حذف کرده است.

۴- تهران شهید:

تهران خستایی که در عهد شاه وجود داشت، در دوران جمهوری اسلامی با نامگذاریهایی که فاقد معنای خاصی هستند، تفاوت زیادی نکرده است، اما این خطه (تهران خنثی) در سال ۱۳۶۷ یا ۲۱۲۰ گذر، خیابان، کوچه و بن‌بست دارای نام قربانیان و شهدای انقلاب بویژه شهدای جنگ ایران و عراق به نحو چشمگیری محدود شده‌است (مسئلاً تعداد معابری که نام شهدا را بر خود دارند بیش از ۲۱۲۰ مورد است). به این ترتیب تهران دولتی قلمرو خود را گسترش داد. اما در این مورد به تهران مردمی پیوست چرا که به پیشنهاد انجمنهای اسلامی یا کمیته محله، نام یک شهید را بر خیابانی که در آن اقامت داشته یا گذری از محله او نهاده‌اند. این شهدا که به اعتقاد ما مسلمان زنده هستند بعد از مرگ خود قلمروی را تسخیر کرده‌اند که از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب پایتخت گسترده شده است و همانها هستند که بعد از این بر پایتخت ایران نشان گذاشته و آن را در اختیار خواهند داشت،

شهری که تا مدت‌های مدید خاطره فداکاریهای آنها را نگاهبان خواهد بود.

پایتختی همگون تر:

تهران شاه و تهران مردم از لحاظ جغرافیایی و فرهنگی از یکدیگر جدا بودند اما در عهد جمهوری اسلامی پایتخت سیاسی و شهر مردم امتزاج بیشتر دارند. در مورد تهران اسلامی و تهران سنتی ایرانی نیز وضع به همین قرار است: دوازدهمین امام شیعیان که امام زمان، ولی عصر یا صاحب الزمان یا مهدی (عج) نامیده می شود نام خود را رابه ۱۷۴ معبر عمومی داده است. و این نشان از پابندی ملتی دارد که به آرمان عدالت و انتظاری که آن امام همام مظهر آن می باشد دل بسته است. همچنین شعرای بزرگ و نویسندگان مردمی ایرانی در ژرفای تهران و در خانه خودشان جای دارند، چرا که حافظ ۴۷ خیابان، خیام ۴۰ خیابان و فرودسی ۳۱ خیابان را به نام خود مزین کرده اند. در خصوص سعدی، او با کتابهای جاودانش یعنی گلستان و بوستان، بدون شک رکورد این مهم را با ۲۲۶ خیابان، گذر و کوچه به دست آورده است^{۱۰} و به این ترتیب علاقه همه تهرانیها، آن سان که همه ایرانیها، را به پیامی که برجای نهاده به اثبات رسانده است:

بنی آدم اعضای یکدیگرند	که در آفرینش زیک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار	دگر عضوها را نماند قرار
توکز محنت دیگران بی غمی	نشاید که نامت نهند آدمی